

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

ششم نومبر ۲۰۱۴

اشعار مرحوم محمد رحیم "شیدا"

مأخوذ از مجموعه "نالۀ شیدا"

به کوشش حبیب الله "شیدا"

بیانیه رحیم شیدا در مورد آب هلمند

(قسمت پنجم)

استعمار

به استعماریون فکـر عجیب است
که بهـر کشتن خلق غریب است
به هر جا پای استعمار آمد
غـلامی و کنیزی بار آمد
به هر جایی که ایشان پا نهادند
به جز تخم بدی چیزی نکاشتند
عجبتـر این که این فرمائروایان
به فرمان میکنند این خلق قربان
بدانند خویش را یک اختیاردار
به ملک و هستی مردم چو بادار
دهد ملک یکی را بهر دیگر
ببخشد آب از دریا چو گوهر
به ایـران آب ما داده ست تحفه
که زر بخشیده از جیب خلیفه
اگر انگلیس همچون مهربان است
دهد لندن به ایران، ملک شان است
به آب و ملک ما او را چه کار است
به من این حکم او بی اعتبار است
ز دست این چنین انگلیس مآبان
همه خلق جهان زار و پریشان
مثال کارشان صد در جهان است
که بیـن ما و پاکستان نهاده
از آن جمله یکی پشتون ستان است
به ما یک دانـۀ جنگ است مانده

ببین امروز در شـرق میانه
 به قبرس بین که بین ترک و یونان
 فلسطین را که بود خاک مسلمان
 نمیبینی که صد ملیـون اعراب
 نمیبینی تو این جنگـهای ویتنام
 نه ویتنام و نه ویتکانگ است و لاووس
 سه چار دولت که در دنیا کلان است
 کنند تقسیم بر خـود این جهان را
 سر تقسیم اگـر ناساز گردند
 به هر جا خلق را پامال سازند
 به نام صلـح، جنگ روشن نمایند
 سلاح نو همه در امتحـان است
 ز خیراتِ سر این نوع بزرگان
 ضعیفـان حق آزادی ندارند
 چه آتش در گـرفته در میانه
 چه آتش روشن است از جنگ سوزان
 چه سان تسلیم کـردند بر یهودان
 ز سه ملیون یهود گـردیده بیتاب
 که کُشتن کُشتن است هر صبح و هر شام
 فقط چین است و امریکا و هم روس
 سویـچ این جهان در دست شان است
 ندارد کس غمـی ما مردمان را
 میان خلـق جنگ انداز گردند
 به نفع خـویش استعمال سازند
 فـروش اسلحه درجن نمایند
 به جـانِ مردمانِ ناتوان است
 ندارد زندگی حق این غـریبان
 به جـز از بندگی شادی ندارند

همین است کار استعمار و بارش

خدا ما را نـگه دارد ز خارش